

مدرسه تاریخی «قصه‌های مجید» احیا می شود



مدیرکل میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایعدستی استان اصفهان از احیای مدرسه قصه‌های مجید با همپای اداره‌کل آموزش‌وپرورش استان خبر داد.

به گزارش ایثنا به نقل از روابط عمومی وزارت میراث‌فرهنگی، مدیرکل میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایعدستی به همراه مدیرکل اداره‌کل آموزش‌وپرورش استان اصفهان و جمعی از مدیران اداره‌کل از مدرسه شهید حلبیان، مدرسه تاریخی سریال قصه‌های مجید بازدیدکردند.

مدیرکل میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایعدستی استان اصفهان در حاشیه این بازدید گفت: یکی از مهم‌ترین سیاست‌های ما در اداره‌کل میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایعدستی استان اصفهان، تلاش برای جلب مشارکت نهادهایی است که بتوانای واجد ارزش تاریخی در اختیار دارند تا از این طریق بتوان به حفاظت این آثار کمک کرد.

کرمزاده ادامه داد: این مدرسه تاریخی در پیرامون بافت تاریخی بازار بزرگ اصفهان واقع شده و با فضایی بالغ بر ۴ هزار مترمربع وسعت و با بیش از ۱۵۰ سال قدمت، بنایی ارزشمند است که نیازمند نگهداری و حفاظت است.

او افزود: متأسفانه به دلیل عدم تعیین تکلیف مالکیت آن، این مجموعه در دو دهه گذشته دچار فراموشی شده و در حال مرگی تدریجی است، ضمن ستودن اقدام ارزشمند برایی برخی کلاس‌های هنرستان صنایعدستی در این مدرسه تاریخی، پیشنهاد دادم تا به دلیل اینکه هزینه سنگینی برای مرمت این بنا نیاز است، با همکاری دو نهاد و با جلب کمک وزارت میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایعدستی و بودیهو صندوق احیا بناهای تاریخی این وزارتخانه، پس از طی مراحل قانونی، با جلب مشارکت بخش خصوصی، این مجموعه مجدداً احیا شود که خوشبختانه مورد موافقت مدیران آموزش‌وپرورش استان قرار گرفت.

صالحی امیری به ایوموسی رفت



وزیر میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایعدستی به جزیره ایوموسی رفت.
به گزارش ایسنا بنابر اعلام وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، سیدرضا صالحی امیری به همراه جمعی از معاونان این وزارتخانه و تعدادی سرمایه‌گذار سه‌شنبه ۸ آبان‌ماه ۱۴۰۳ به جزیره ایوموسی در خلیج فارس سفر کرد.

صالحی امیری با همراهی فرماندار ایوموسی از پروژه‌ها و زیرساخت‌های این جزیره دیدن می‌کند. او پیش از این دیدارها، با حضور در گلزار شهدای جزیره ایوموسی به مقام این شهدا ادای احترام کرد.

روابط عمومی وزارت میراث فرهنگي، گردشگری و صنایع دستی اعلام کرده است، سفر صالحی امیری به جزیره ایوموسی در راستای فرمایشات مقام معظم رهبری به‌منظور توسعه اقتصاد دریامحور و با نگاه به توسعه جزایری که در منطقه جنوب کشور است، انجام شده است.

ایوموسی جزو جزایر سه‌گانه خلیج فارس است که امارات نسبت به آنها طرح ادعا کرده است. چندی پیش نیز اتحادیه اروپا در بیانیه مشترکی با شورای همکاری خلیج فارس، با عبارت «الشغال» از ادعای مالکیت امارات متحده عربی بر جزایر سه‌گانه خلیج‌فارس (تب بزرگ، تب کوچک و ایوموسی) حمایت کرد. این بیانیه با واکنش گسترده در ایران مواجه شده است.

حوالی ساعت ۱۲ ظهر روز دوشنبه (۷ آبان‌ماه) مجموع مخاطبان امسال سینمای ایران به ۲۰ میلیون نفر رسید. این آمار برای سال گذشته، در روز ۲۰ آذر رخ داده بود. حال آن‌که مجموع تعطیلات مناسبتی و عزای عمومی کشور به‌نسبت سال گذشته، از تکرر بیشتری برخوردار بوده است که در غیر این صورت، سینمای ایران در نیمه‌های مهر موفق به فتح قله ۲۰ میلیون مخاطب می‌شد. به گزارش ایرنا، اکنون دیگر با خیال راحت می‌توان از مخاطب بیش از ۳۰ میلیونی برای سینمای ۱۴۰۳ صحبت کرد اما سنگ بزرگ این آمارشکنی، مربوط به اکران سال ۱۳۷۹ است که طی آن سال، ۳۳ میلیون نفر به سینما رفتند و اگر تعداد مخاطبان امسال سینما، از این مرز عبور کند به این معناست که سینما موفق شده تا رکورد ۲۴ ساله میزان تماشاگر را بشکند که این اتفاق، می‌تواند درصد بسیاری از تحلیل‌هایی که تنها بر روی کاغذ، عنایت داشته و با قابلیت اجرایی چندانی برخوردار نیستند را کاهش دهد.

اکنون و برای رسیدن به مخاطبان بیش از ۳۳ میلیون، افق خوبی برای سینماها ترسیم شده است. اکران چند کمدی پرمخاطب، بخشی از پاژل رسیدن به چنین موفقیتی است. اکران «زودپز» در کنار نمایش «صباحنا با زرافه‌ها» که از چهارشنبه این هفته ۹ آبان ماه آغاز خواهد شد و البته «هفتادسی» که از هفتم آذرماه به ناوگان افزوده خواهد شد، خیال رسیدن به این قله آماری را تاحدود زیادی راحت می‌کند. اما در این بین، آنچه از اهمیت بسیاری برخوردار است، اکران هدفمند آثار پرمخاطب در گونه‌های اجتماعی و کودک است. در سینمای کودک، این امر به میزان خوبی، محقق شده اما در سینمای اجتماعی، همچنان باید منتظر تدابیر مهمی باشیم. باید پی‌زیریم که بخشی از مردم، به‌واسطه اکران آثار اجتماعی، به سینما می‌روند و از این رو، نباید تمام تخم‌مرغ‌ها را در سبد رکوردشکنی میزان مخاطب بچینیم که اگر تنها خواهیم از این منظر به موضوع نگاه کنیم، متوجه یک خطای راهبردی در مبانی کیفی سینما شده‌ایم. **هم اکنون بالغ بر ۲۰۰ فیلم، پروسه تولید خود را به پایان رسانده اند**

شورای صنفی، طی ۶ ماه نخست امسال، برنامه

رکورد ۲۴ ساله مخاطبان شکسته می شود

۲۰ میلیونی شدن تماشاگران سینما

میزان مخاطبان سینما درحالی از ۲۰ میلیون نفر عبور کرده که حالادیگر با خیال راحت می‌توان از ۳۰ میلیون مخاطب و گیشه فراتر از ۲ هزار میلیارد تومانی برای امسال سینماهای کشور سخن گفت.



باید پی‌زیریم که بخشی از مردم، به‌واسطه اکران آثار اجتماعی، به سینمای می‌روند و از این رو، نباید تمام تخم‌مرغ‌ها را در سبد رکوردشکنی میزان مخاطب بچینیم که اگر تنهابخواهیم از این منظر به موضوع نگاه کنیم، متوجه یک خطای راهبردی در مبانی کیفی سینما شده‌ایم

نسبت به انتخاب پیش‌دستانه آثار اجتماعی پرمخاطب از این ظرفیت و اکران آنها در ماه‌های باقیمانده امسال امیدوار بود.

در این زمینه، یک تبصره بسیارمهم وجود دارد و آن اینکه برای اکران آثار اجتماعی، نباید منتظر اقدام تهیه‌کننده اثر بمانیم. لازم است تا به مانند اواخر دوران کرونا، مدیران سینمایی و شورای صنفی نمایش، راسا نبض این جریان را در دست گرفته و مذاکراتی را با تهیه‌کنندگان آثار اجتماعی پرمخاطب آغاز کنند. در این صورت می‌توانیم به فقر گونه‌ای نسبتاً ملموس این سال‌ها پایان داده و قله ۳۳ میلیون مخاطب

چندان موجهی برای اکران آثار کودک نداشت.. از مهرماه، شرایط برای اکران آثار پرمخاطب سینمای کودک، مطلوب شد و آنچه از شنیده‌ها برمی‌آید، این جریان تا انتهای سال، دست مخاطبان این گونه را باز می‌گذارد بنابراین خلاء مهم اکران باقیمانده امسال، نمایش آثار اجتماعی پرمخاطب است. هم‌اکنون بالغ بر ۲۰۰ فیلم، پروسه تولید خود را به پایان رسانده و اگر از این میزان، درصدی از خواهان حضور در جشنواره فجر هستند را کم کنیم، به آماری درحدود ۱۶۰ فیلم می‌رسیم که متناسب با متن فراخوان جشنواره فجر، نمی‌توانند در این رویداد حاضر باشند بنابراین می‌توان

اقتباسی دیگر در سینمای کودک و نوجوان

«این قصه قهرمان دارد»



اقتباس در واقع نوعی پیوند کارگردان‌ها و فیلم‌سازها با پدیدآورندگان آثار ادبی است و به بهانه اکران فیلم «باغ کیانوش» که اقتباس از کتابی با همین عنوان است، مروری بر مهم‌ترین اقتباس‌های ادبی داریم.

به گزارش ایسنا، در دهه‌های اخیر، جریان اقتباس در سینمای ایران به عنوان یکی از کلیدهای اصلی برای پیوند میان ادبیات، تاریخ و سینما شناخته شده است. اقتباس نه تنها به سینماگران امکان بهره‌برداری از داستان‌ها و شخصیت‌های ادبی را می‌دهد، بلکه فرصت ارائه و بازسازی دوباره آثار ادبی را در قالبی تازه فراهم می‌کند.

در تاریخ سینمای ایران کارگردانان سرشناسی همچون داریوش مهرجویی، مسعود کیمیایی و بهرام توفکی و… با الهام از ادبیات کلاسیک و معاصر، توانسته‌اند آثار تأثیرگذار و ماندگار خلق کنند که بازتاب‌دهنده زندگی، ارزش‌ها و هویت ایرانی است.

برجسته‌ترین آثار اقتباسی سینمای ایران

همان مامان (داریوش مهرجویی).: این فیلم کمدی-خانوادگی بر اساس کتابی از هوشنگ مرادی‌کرمانی ساخته شده و داستانی جذاب و مردمی درباره مهربستگی و صمیمیت میان خانواده‌ها و همسایگان را روایت می‌کند.

گاوخونی (بهورز اخفی): این فیلم متفاوت بر اساس رمان کوتاهی از جعفر مدرس‌صادقی ساخته شده و با فضایی وهم‌آلود، داستان زندگی و تجربیات یک مرد را در بازگشت به زادگاهش روایت می‌کند.

داش آکل (مسعود کیمیایی): یکی از معروف‌ترین آثار اقتباسی کیمیایی که بر اساس داستان کوتاه «داش آکل» از مجموعه «سه قطره خون» صادق هدایت ساخته شده است. این فیلم که عشق و مرام جوانمردانه را در قالب یک قهرمان ستی روایت می‌کند، به نمادی از رفاقت و مردانگی تبدیل شده است.

لیلا (داریوش مهرجویی): این فیلم بر اساس داستانی نوشته مهتاز انصاریان به نگارش درآمده است. لیلا با تمرکز بر مسائل اجتماعی و روانشناختی، به بررسی روابط انسانی و چالش‌های زندگی می‌پردازد و توانسته است تأثیر زیادی بر مخاطبان خود بگذارد.

قصه‌های مجید(کیومرث پوراحمد): یکی دیگر از نمونه‌های موفق اقتباسی است که از کتاب «قصه‌های مجید» نوشته هوشنگ مرادی کرمانی برگرفته شده است. این سریال به زندگی نوجوانی به نام مجید می‌پردازد که با مادر بزرگش زندگی می‌کند و ماجراهای روزمره‌اش را روایت می‌کند. شخصیت مجید، با علاقه به کتاب و سینما و آرزوی نویسندگی شدن، نماد جوانانی است که با چالش‌های مختلف زندگی مواجه هستند.

عمل می‌کنند تشکیل شود. البته که چنین اقداماتی در جهان مرسوم است و همین

اخیرا تیلور سوئیفت پنج میلیون دلار به قربانیان طوفان میلتنون که جان و مال خود

را از دست داده بودند، کمک مالی کرد. و اما در ایران این‌گونه موارد حداقل از سمت اهالی موسیقی کم نبوده است و پیش از این هنرمندان دیگری از جمله محسن چاوشی، مصطفی راغب و رضا صادقی به مدد زندانیان جرائم غیرعمد شتافته‌اند و یا در موارد دیگر مانند برگزاری کنسرت و پرداخت عواید آن به زلزله زدگان و برگزاری کنسرت خیابانی به مسئولیت اجتماعی خود عمل کرده‌اند. در تیرماه همین

امسال مسدند سفلی گذشته طی یک اقدام خیرخواهانه کنسرتی برای کودکان کار در برج میلاد برگزار کرد و با پیشتر در جشن گلریزان شهرستان ارکان ویژه آزادی زندانیان جرائم غیرعمد اجرا کرده بود. داوود آزاد نیز طی سالیان متمادی، بارها در زندان‌ها برای زندانیان کنسرت برگزار کرده است و درباره این امر گفته است: «سال‌هاست کارهای خیریه را آغاز کرده‌ام، به هر شهرستانی می‌روم به زندانش سر می‌زنم و

به یاد رضا عبیدی–باز یگر کاراکتر محبوب «آمیز عبدالطمع»

برای شادی ما ۴۰ سال آمریکا شد!



بازیمان رفتن «آمیز عبدالطمع» هنوز هم باورکردنی نیست. خیلی‌هایمان شونده پر و پاقرص رادیو هم که نبودیم، «صبح جمعه با شما» را گوش می‌کردیم و در میان کاراکترهای محبوبمان، «آمیز عبدالطمع» یکی از آن دوست‌داشتنی‌ها بود.

«آمیز عبدالطمع» را رضا عبیدی جان می‌داد. بازیگری که به نوعی سند آبان را به نام خودش زده بود. آبان ماه آمد و آبان ماه ۸۸ سال بعد هم برای همیشه رفت. بعدها که برخی عوامل برنامه طنز رادیو ایران، «جمعه ایرانی» را ساختند که به نوعی ادامه‌دهنده همان «صبح جمعه با شما» بود. رضا عبیدی هم رنگ‌گ جدیدی به صدایش داد و «عبدل بزینس» نام گرفت. همه این شخصیت‌ها برگرفته از نام خودش - «عبیدی» - بود. نویسنده‌ها برای صدایش و کاراکترش اختصاصی می‌نوشتند و شونده رادیو هم عادت کرده بود این صدای آشنا را با مختصات کاراکتری خاص بشناسد.

رضا عبیدی از آن بچه تهرانی‌های اصیل بود. سال ۱۳۳۰ در محلهٔ سرچشمه زاده شد. ۲۳ سال داشت که وارد رادیو شد و با کاراکتری به نام «آمیرزا اکتور رادیو» آغاز به کار کرد. در تئاتر و سینما هم مشغول بود و تا سال ۱۳۵۷ در بیش از ۲۰ فیلم ایفای نقش کرد. چند سال پس از انقلاب با فیلم «کفش‌های میروزانور»، به سینما بازگشت و در «هی جو»، «سفر جادویی»، «پشت دیوار شب» و «مردی از جنس بلور»، هم حضور داشت. بازی در سریال «هزارستاره» به کارگردانی علی حاتمی از دیگر فعالیت‌های او بوده است. با این همه وفاداری‌اش به رادیو مثال‌زدنی بود و تا آنجا جلو رفت و ادامه داد که دیگر بدنش یاری نمی‌کرد. اوآخر عمر نمی‌توانست در رادیو حاضر شود اما

با سعید توکل، سردبیر قدیمی «صبح جمعه با شما» یادگستی ترتیب داده بودند به نام «شاد شو» و همراه با یک عده از قدیمی‌های دیگر که در آن مقطع مورد بی‌مهری رادیو قرار گرفته بودند از جمله منوچهر آذری باز هم مردم را می‌خندانند و شاد می‌کنند.

سال‌ها قبل وقتی از او درباره آرزویش پرسیدند، پاسخ عاشقانه داد: آرزو دارم «صبح جمعه با شما» همچنان از رادیو شنیده شود و خنده بر لبان مردم بیآورد!

این عشق توسط منوچهر آذری دیگر هنرمند ماندگار رادیو هم توصیف شده است.

آذری در رومانیی از مستند «دیدار با رضا عبیدی» گفته بود: تلویزیون فیلمی را راجع به یک‌هوا نشان می‌داد که در آن فرهنگ مهرپور، کرم عبیدی و … بودند. من بچه که بودم وقتی به خیابان «باربد» ته له‌لازه می‌رفتم، به دلیل بضاعتی که داشتم فقط عس‌های رضا عبیدی را که آن زمان به عنوان هنرمند تئاتر شناخته می‌شد، می‌دیدم.

او در ادامه درباره آشنایی‌اش با رضا عبیدی هم یادآور شده بود: بعد از آن سال‌ها احساس کردم رابطه نزدیک و صمیمی با رضا عبیدی دارم تا اینکه به رادیو آمدم. آمدن به رادیو، عشق و علاقه می‌خواهد مثل آقای عبیدی که با اشتیاق کارش را ادامه داد.

سال ۹۰ بود که یکی از گفت‌وگوهای ایسنا با رضا عبیدی شکل گرفت. در آن زمان ۸۰ سال سن داشت اما صدایش همچنان سرپا بود. از ندغه‌هایش برای رادیو گفت و از لزوم ساخت طنز و کمدی با کتار گذشت. این سخن را به یاد می‌کنیم و تنها راه آن خندیدن است.». «

بیمه و گذشت. در روز تشییع پیکرش این جمله به

کرارت در پیلیوردها دیده می‌شد: برای شادی

شما ۴۰ سال آمریکا شد!

این هنرمندان به کمک مردم شتافتند

از محمدرضا شجریان تا فرزین



برای زندانیان به شکل رایگان اجرا می‌کنم. به زندان‌های بسیاری در ایران رفته‌ام. به نظر من اگر به‌دنبال این نمایشیم که از آن کار استفاده خوبی و شواق کنیم، خیلی کار قشنگی است. من شنیده‌ام یکسری دوستان موزیسین ما کنسرت گذاشته‌اند یا (قیمت) بلیت بسیار بالا اما کنسرت فروش نکرد؛ کنسرت را کنسل کردند اما مردم وضعیت مردم خوب نیست و کنسرت خود را کنسل کردند و گفتند می‌خواهیم کنسرت خیابانی اجرا کنیم». و اما یکی از معروف‌ترین این اقدامات در بین هنرمندان به کنسرت «همونا با بم» در سال ۱۳۸۲ برمی‌گردد که هنرمندان سرشناس موسیقی ایران از جمله حسین علیزاده، کیهان کلهر همایون شجریان در این اجرا حضور داشتند. کنسرت هم‌ونا با بم برای کمک به زلزله‌زدگان شهر بم و همدلی و هم‌دردی با مردم شهر بم بود. البته که عمل به این مسئولیت‌های اجتماعی، همانطور که اشاره شد، می‌تواند انواع مختلف داشته باشد و شاید در مواردی دیگر مسئولیت اجتماعی هنرمند شامل ساخت یک ترانه در انتقاد از وضعیت روز جامعه باشد و اگر هنرمندی اینگونه عمل نکند، سبلی از انتقادها روانه او خواهد شد. شاید حتی در زمان رخ داد بلاهای طبیعی آن دسته از هنرمندانی که به کمک مردم می‌شتابند، اجرایی شوند برای انتقاد از دیگران که کمک خاصی نمی‌کنند. به هر حال بد نیست به هنر نه تنها به عنوان یک نوع خلافت زیبایی‌شناختی نگاه کنیم؛ بلکه پیام‌های اجتماعی و سیاسی ضمنی و صریح آن را بررسی کنیم. قرن بیستم شاهد تغییرات فاجعه‌باری مانند دو جنگ جهانی، جنگ سرد ایدئولوژیک، پایان استعمار، جنبش حقوق مدنی در ایالات متحده و تأکید بر حقوق اقلیت‌های نژادی، جنسی و مذهبی در جوامع غربی بود. ناگهان، هنر یا دوری از ریشه‌های زیبایی شناختی خود، محملی برای درگونی



اجتماعی و سیاسی شد. مسئولیت اجتماعی به عنوان معیار شایستگی و تعالی هنری مقبولیت یافته است؛ چه ادبیات، نقاشی، موسیقی یا سینما، مردم بیش از آنکه از برتری خلافانه هنر قدرانی کنند، به دنبال ضریب مسئولیت اجتماعی هنر هستند. به گونه‌ای که هیچ نویسنده‌ای نمی‌تواند امیدوار باشد که برنده جایزه نوبل صرفاً با نمایش مهارت‌های نویسندگی با کیفیت بالا باشد زیرا متوتا بیش از سبک اهمیت دارد. هیچ فیلمسازی نمی تواند برنده اسکار شود مگر اینکه به یک موضوع مهم اجتماعی یا سیاسی روز بپردازد.